

بنام خداوند جان و خرد

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

قطعنامه شورای امنیت درباره عراق، فرصت سه ماهه دیگری را برای اتخاذ یک استراتژی آگاهانه برای حفظ منافع ملی ایران فراهم کرده است

چگونه واقعیت‌های سیاسی امروز جهان سبب می‌شود که کسانی که می‌خواهند به کشور خود خدمت کنند، دور از شعارگرایی سخن بگویند و با پذیرش جامعه ملی و جهانی مواجه شوند. اردوغان که در سال ۱۹۹۹ در یکی از تظاهرات شعر زیر را شعار گونه و با احساس بیان داشت: "ستاره، سرنیزه ماست، گنبد، کلاه خود ما، مسجد سنگرمان است و مؤمنان سربازان ما هستند." ساعتی پس از اعلام پیروزی حزبش در پیامی چنین گفت: حزب او حزبی اسلام‌گرا نیست و هیچ برنامه پنهانی برای بازگرداندن مذهب به سیاست و قانون ترکیه ندارد. ما از همه بخشها و همه احزاب رای گرفته ایم. ما حزب اصلی کشور هستیم و این هدف ما بود. از هم اکنون، هیچکس نمی‌تواند ما را حزب اسلام‌گرا بنامد. ضروری‌ترین مسأله ما، اتحادیه اروپاست و من همکارانم را بدون تشکیل دولت به اروپا خواهم فرستاد. بدون شک اردوغان اعتقادات مذهبی‌اش را از دست نداده، ولی میداند که در ترکیه در چارچوب حکومت دینی نمیتواند دولت تشکیل دهد، زیرا هم در درون و هم در بیرون، کشور را با دشواری‌های بزرگی روبرو خواهد ساخت، و سرانجام باید قدرت را به کسانی واگذارد که اگر دین ستیز نباشد، بدون شک دین باور نخواهند بود. از اینروست که برای کاستن از موضع‌گیریهای داخلی و بهره‌مند گشتن از یاریهای بین‌المللی، در مصاحبه با آسوشیتدپرس می‌گوید: رسانه‌ها تأکید دارند که ما مذهب محور هستیم، ولی ما این حرف را نمی‌پذیریم. ما به دنبال به راه انداختن تبلیغات مذهبی نیستیم. در وضع موجود، منافع ملی ایران در فضای پرتلاطم منطقه ایجاد می‌کند که به مفهوم واقعی کلمه با تغییرات اساسی در ساختار جامعه و در مشی سیاسی کشور، از درگیر ساختن میهن در بحرانهایی که در آنسوی به یک هدف ضربه پذیر تبدیل سازد بهره‌بریزیم، و بکشیم تا از موضع‌گیریهای صاحبان قدرت جهانی بکاهیم، باشد که بیش از این از چهار سو منافع ملی مان در معرض خطر قرار نگیرد.

دو سه ماه آینده به طول خواهد انجامید، مگر آنکه صدام دست به یک دیوانگی پیش‌بینی نشده بزند. و اما در ایران، به نظر می‌رسد که جناحی از حاکمیت با درک واقعیت‌ها از ادامه شرایط تنش میان ایران و غرب بویژه آمریکا، نگران است و علاقه دارد به نحوی خود را از راه اتحادیه اروپا به غرب نزدیک سازد. از اینرو میکوشد تا به اعتبار منابع انرژی و دیگر منابع معدنی، بازار هفتاد میلیونی و موقعیت استراتژیک ایران برای ترانزیت کالا، با اتحادیه اروپا بر سر بستن قراردادهای اقتصادی و واگذاری منافع چشم‌گیر، روابط نزدیکی برقرار کند. ولی اتحادیه اروپا تا بحال جز در برخی قراردادهای مربوط به انرژی، که سود سرشاری عایدشان می‌کند، در عمل، آمادگی لازم برای همکاری‌های مؤثر اقتصادی و سرمایه‌گذاری در جهت رشد صنعتی و تکنولوژی و فراهم ساختن فرصت برای حضور ایران در بازارهای جهانی از خود نشان نداده است.

قرار است تا مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا در ماه دسامبر در بروکسل صورت پذیرد. یک مقام اتحادیه اروپا اعلام داشت که مذاکرات مذکور همراه با مذاکرات در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد بود. جناح صاحب قدرت حاکمیت که اهرمهای اعمال زور و سلطه را در دست دارد، ظاهراً تمایلی ندارد که شرایط بحران در سیاست خارجی ایران از میان برود. شمار کمی قبضه‌کنندگان قدرت در این جناح همچنان معتقدند که برای تثبیت موقعیت و بستن جو جامعه باید بر موج بحران سوار باشند، مگر آنکه مجموعه غرب مستقیماً با آنها به تفاهم برسد، پدیده‌ای که با روند سیاست کنونی غرب دائر بر حمایت از دمکراسی‌ها و فضای باز سیاسی و حمایت از حقوق بشر همخوانی ندارد.

پیروزی خیره‌کننده حزب عدالت و توسعه ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان و گفته‌های این شخصیت اسلامگرا پس از پیروزی، نشان میدهد که

سازمان ملل متحد را نادیده انگارد و از بالای سر آن عمل کند، بلکه خواهد کوشید تا به خواسته‌هایش با چانه زنی و فشار و تهدید و موضع‌گیری گام به گام نزدیک و نزدیکتر شود.

ماجرای موضع‌گیری آمریکا و انگلیس در برابر عراق و واکنش‌های جهانی در برابر آن و سرانجام صدور قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت در روز جمعه ۱۷ آبانماه رویداد قابل توجهی در دیپلماسی امروز جهان بشمار می‌رود که میتواند برای کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای منطقه بحرانی خاورمیانه حرف بسیاری برای گفتن داشته باشد. آمریکا و انگلیس در پی رویداد ۱۱ سپتامبر با تمام قدرت کوشیدند تا با گذراندن دو قطعنامه در شورای امنیت که ویژه‌گیهای متفاوتی با گذشته داشت، از موضع قدرت در یکی از مهم‌ترین بخش‌های جهان حضور نظامی پیدا کنند. استقرار نیروهای غربی در افغانستان و بدست آوردن پایگاه نظامی در کشورهای آسیای مرکزی و پاکستان، پیروزیهای غیر منتظره‌ای برای آمریکا به ارمان آورد که تا پیش از آن کسی تصور آنها هم نداشت. آمریکا با بهره‌برداری از یک فاجعه، نیروهای خود را در سراسر حوزه دیرین نفوذ روسیه و در مرزهای چین مستقر ساخت. با گذشت چند ماه از آن رویداد مهم، با عنوان کردن محور شیطانی کره شمالی، ایران و عراق، آمریکا خود را آماده یک رودررویی جدید در منطقه بسیار حساس خاورمیانه ساخت.

با اینکه شخص صدام حسین طی چند روز گذشته از خود نرمش‌های بسیار نشان داده است، دور بنظر می‌رسد که بتواند از این ماجرا جان سالم بدر برد و همچنان بر قدرت باقی بماند. بنظر می‌رسد آمریکا و انگلستان برآند تا ترتیبات تازه‌ای در این بخش از خاورمیانه به اجراء درآورند که گاه درباره برهم زدن مرزهای کنونی و حتی استقرار یک فرماندار نظامی در عراق درباره آن سخن گفته می‌شود. اینها همه دست کم تا

سرانجام شورای امنیت در پی یک چالش کم سابقه دو ماهه از سوی فرانسه و روسیه، به قطعنامه پیشنهادی آمریکا به درباره خلع سلاح عراق در زمینه جنگ افزارهای کشتار جمعی و تولیدات موشکی رأی داد. بر پایه قطعنامه ۱۴۴۱، به عراق ۳۰ روز فرصت داده شده تا فهرست کامل جنگ افزارهای کشتار جمعی و برنامه موشکی خود را در اختیار بازرسان سازمان ملل قرار دهد.

همچنین، دولت عراق باید امکان فعالیت همه جانبه را برای بازرسان فراهم آورد و اجازه دهد که موارد نقص تعهدات پیشین به شورای امنیت گزارش شود. چنانچه عراق هر بخشی از آنرا نقض کند، شورای امنیت تشکیل جلسه خواهد داد تا راه برخورد با آن کشور را بررسی کند. این موردی است که با خواست پیشین آمریکا انطباق کامل ندارد. زیرا اجازه اقدام یک جانبه به آمریکا داده نشده است. جان نگر و پخته، نماینده آمریکا در سازمان ملل، ضمن اشاره به اینکه این قطعنامه ضامن مخفی برای توسل خودکار به زور را ندارد، هشدار داد که هر عضو شورای امنیت می‌تواند در صورت احساس خطر، خود را ساقط کند. رئیس جمهور آمریکا نیز پس از تصویب قطعنامه اعلام داشت که اگر عراق در اجرای قطعنامه کارشکنی کند، در آن صورت، عراق را خلع سلاح خواهیم کرد.

این همه حکایت از آن دارد که با وجود موضع‌گیری‌های فرانسه و آلمان از یکسو، روسیه از سوی دیگر، و برخورد سرد برخی کشورهای عربی چون عربستان سعودی و سوریه با حمله به عراق، سرانجام قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در عین حال که با خواست آمریکا اختلاف چندانی ندارد، از نظر بین‌المللی جامعه جهانی را از بن بست خودسرانه عمل کردن و نادیده انگاشتن سازمان ملل رهایی بخشید.

ما در گذشته نیز یادآور شده بودیم که دیپلماسی آمریکا بر آن نخواهد بود تا

یکم آذر، سالروز شهادت خونین دو قهرمان خستگی‌ناپذیر راه آزادی و سرفرازی ایران
داریوش و پروانه فروهر را هر چه پرشکوه‌تر برگزار کنیم

کمک می کنیم تا استبداد فاسد و لوزان را رها کنید

به احزاب و جمعیت های به حاشیه رانده شده که حق مسلم آنها برای زندگی باعزت نقض و خدشه دار شده و در حوزه عمومی بحث و گفت و گو جایشان به زور غصب گردیده، به توافق های رضایت بخش روی می آورد تا از گزینه های سه گانه زیرین عقلایی ترین را انتخاب کرده باشند.

۱- قدرت نمایی هنگامی روی می دهد که دوسوی اختلاف و ستیز سیاسی تلاش کنند تا قدرت خود را به رخ حریف بکشند. اتکاب بر استراتژی قدرت معمولاً منجر به زور مداری متقابل و در نهایت از بین رفتن منافع هر دو گروه متخاصم می شود.

۲- اثبات حقانیت، یعنی طرفین می کوشند خود را بر حق و حریف را باطل معرفی کنند. خاطرات و افسانه های مربوط به درگیری های گذشته تکرار می شود تا رذالتها گروه مخالف زیر ذره بین نشان داده شود.

۳- استراتژی حل مشکل، یعنی هر دو سو تلاش می کنند تا منافع ملی را بر منافع خود مقدم شمارند و منافع خود را از راههای مسالمت آمیز با منافع رقیب انطباق دهند.

انتخاب گزینه های ۱ و ۲ یعنی ایجاد موقعیت برد برای من و باخت برای دوست، اما انتخاب گزینه سوم به معنای دستیابی به نتیجه برد-برد برای هر دو سو است. زمامدار شایسته کسی است که به مردم اجازه می دهد اولویتهای خود را تعیین کنند و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مدنی خود را ارتقاء بخشند. رقابت برای دستیابی به منابع کمیاب قدرت و ثروت، آنهم وقتی که گروههای حاکم و مسلط از تامین کافی و گاه حریصانه و مفسدانه این نیازها برخوردارند و گروههای غیر حاکم از محرومیت رنج می برند. البته این فقط ما نیستیم که از "تبعیض" سیستماتیک و سازمان یافته حاکمیت در رنجیم، بلکه شنیده ها نشان می دهد نه تنها احزابی که از امتیازات محرومند بلکه گروهها و احزابی که امتیازات را منحصر بخود می دانند نیز همواره در معرض خطر بوده و چون می دانند که از قدرت بی رقیب و حریف خود به زیان دیگران سوء استفاده ها کرده اند حتی خود را آسیب پذیرتر از احزاب محروم شده از امتیازات تصور می کنند. آنها فکر می کنند زمانیکه قدرت خود را از دست بدهند با انتقام اکثریت ناراضی روبرو خواهند شد. جبهه ملی ایران برای معماری سیاسی مورد نیاز جامعه امروز ایران آمادگی دارد و معتقد است که با وجود لطمه های شدیدی که بر اثر تداوم سلطه بر جامعه وارد گشته، با ایجاد تغییرات اساسی و بها دادن به خواست و نظر و رأی ملت و استقرار حاکمیت ملی و برقراری یک سیستم پارلمانی آزاد و برکنار از ضوابط مغایر با اصول آزادی انتخابات چون نظارت استصوابی و سپردن حق تعیین سرنوشت به ملت، می توان کشور را از شرایط بحرانی نجات داد.

برای ما قدیمترهای جبهه ملی که سخت ترین تجربیات سیاسی قابل تصور نظیر کودتا، زندان، شکنجه، انقلاب و ترور یاران و همراهان را تجربه کرده ایم، چیزی دردآورتر از این نیست که سرانجام بعد از آن همه مکافات و صدمه ای که خود و نزدیکان و آحاد ملتمان تحمل کرده ایم در جامعه ای مستبد و فاسد زندگی کنیم که رئیس جمهورش از دیکتاتوری می نالد (ن.ک ایران ۲۹ مهر) و رهبرش از مفسد (ن.ک حیات نو اول آبان)، آن هم پس از ۲۵ سال از دار آویختن و برجرثقیل افراشتن علنی و مدام مفسدین فی الارض و محاربین با خدا.

خدا می داند، هنوز برای فرزندانمان که اغلب می پرسند با آن همه مکافات چه دستاوردی داشته اید که دست از تلاش بر نمی دارید؟ پاسخ قانع کننده ای نداریم، ولی تجربه به ما آموخته که نه آمریکا چاره درد است و نه فراریان ایرانی تبار مقیم آن دیار. اما هشدار می دهیم که جوان ها تجربه ما را با گوش و استخوان بدنشان لمس نکرده اند تا در عمیق ترین زوایای ذهنشان حک شده باشد. پیام جبهه ملی نیز به صورت زیراکسی و زیرزمینی توان مقابله با امواج ماهواره ها را ندارد. تبعیض های سیاسی امروز و سرکوب های شدید دیروز، نظیر قتل های زنجیره ای و حملات و حشیانه به دانشگاهها و... فقط می تواند میراثی ماندگار را از طنین خشونت و درگیری بجای بگذارد و به چنان خصومتی تبدیل شود که برای نسل ها باقی بماند. "جان لاک" فیلسوف انگلیسی عقیده داشت: "سیاستمداران به طور بالقوه جانوران درنده ای هستند که از کاربرد خودسرانه قدرت در جهت منافع خصوصی خویش ابائی ندارند و تنها از طریق تعبیه نهادها و موانع عینی و نظارت مستمر می توان آنها را مهار کرد". هم اکنون فهم و ارزیابی اهداف و مقاصد حاکمیت برای اغلب مردم دشوار شده و باور عمومی را نسبت به صداقت آنچه که می شنوند به شدت کاهش داده و ما را به سوق دادن جامعه به یک دور باطل دیگر عمیقاً نگران کرده است. خاطرات و یادآوری بی رحمی ها، اگر سریعاً محرم نشوند، تنها منجر به بروز زخم های عمیق و ماندنی و خصومت پایدار بین حاکمیت و مردم می شود. تازمانی که مردم به طور مستمر خودی و غیر خودی را مجسم می بینند، درک سنتهای فرهنگی و دینی، بویژه برای نسل جوان، هر روز دشوارتر از روز پیش می شود و زبان و کلام خودپهای اینک فاسد شده متفاوت تر از همیشه. جوانان از وجود اختلافاتی بین خود و خودپهایی آگاه می شوند که مانع رقابت سالم، مانع امنیت فرد و گروه و حتی مانع امید بیشتر به تداوم زندگی یشان می باشد.

تبعیض سیستماتیک و آشکار در برخورداری از حقوق سیاسی، امروز بصورت بزرگترین مانع برای فراموش کردن اشتباهات گذشته حاکمیت ایران بروز کرده است. اصالت برابری در معنای بنیادین خود بدین معنی است که همه انسانها به حکم انسانیت خود برابرند و بر یکدیگر برتری ندارند. امروز یک رهبری متعادل

پیک خراسان

تندیس کاوه آهنگر

در حالیکه مسئولان رده بالای نظام از آشفستگی اجتماعی و برخی دیگر از فروپاشی های اجتماعی خبر می دهند و رئیس سازمان ملی جوانان از بحران در حوزه جوانان، بویژه دختران جوان، یاد میکند، وزیر کار از بیکاری گسترده جوانان نگران است و خلاصه نویسنندگان و روشن فکران مذهبی از شکاف ارزشی در جامعه خبر میدهند، امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه می گوید "اگر مجسمه کاوه آهنگر در اصفهان خراب نشود، در آینده پایگاه ضدانقلاب خواهد شد". کجایند دلسوزان نظام، آنان که می خواستند مدینه فاضله اسلامی بسازند که ام القراء کشورهای اسلامی باشد؟ پس از ۲۳ سال، سران محافظه کار نظام از وجود تندیس کاوه آهنگر وحشت دارند. مبادا در آینده معترضان به نحوه اداره کشور، یا بقول ایشان ضدانقلاب، محل این مجسمه را پایگاه دادخواهی خود قرار دهند. رسیدن به چنین شرایطی را باید به سران نظام تبریک گفت. بجای توجه و رسیدگی به مطالبات بحق و انباشته شده مردم، آتش زدن تندیس کاوه آهنگر، آن نماد خیزش و پایداری ایرانی در طول تاریخ را تجویز می نمایند، بجای حل معضلات و مشکلات مردم گردهمایی های قانونی را بر هم میزنند، و بجای گوش دادن به انتقادات، روزنامه ها بسته میشوند. اخبار را سانسور میکنند، شایعات به میدان میآید. سردرگمی بحدی رسیده است که فکر می کنند با برداشتن تندیس کاوه آهنگر منتقدان و اعتراض کنندگان جایی برای گردهمایی و پایگاهی برای اعتراض نخواهند داشت. میخواهند با پاک کردن صورت مسئله، مسائل و دشواری های کشور حل شده جلوه نمایند.

حرکت جامعه به حاکمان بر قدرت نشسته نشان داد که دیگر زمان پاسخ به اندیشه با حکم اعدام گذشته است

گشتیم حکایت از آن دارد که واکنش گروه‌های مختلف جامعه در برابر حاکمیتی که همه اهرمهای قدرت را در دست دارد، میتواند بشدت مؤثر واقع شود و آنرا به تمکین از خواست ملت و ادار سازد. ما با ارج گذاردن به حرکت توانای جامعه، یک بار دیگر اعلام میداریم که به شدت هر گونه برخورد خشونت بار با اندیشمندان، اهل قلم، فعالان سیاسی ملی و رسانه‌های نوشتاری و انجام محاکمات فرمایشی در پشت درهای بسته و بدون حضور هیأت منصفه رادر مورد آنها تقبیح می‌کنیم و صدور احکام این چنینی را به اعتبار واکنش افکار عمومی، نشانه ضعف حاکمیت در پاسخگویی به خواسته‌های بر حق ملت دانسته آنرا "تنگین" و بی اعتبار می‌دانیم.

طی روزهای پس از صدور آن رأی قرون وسطائی و نابخردانه، شمار فراوانی از حقوقدانان، استادان صاحب اعتبار، اندیشمندانی که به ابعاد گوناگون فقه اسلامی تسلط دارند، شماری از روحانیون و بالاخره فقیهی چون آیت الله منتظری، همه و همه با صراحت به ناروا بودن آن از جنبه‌های مختلف اعتراض کردند و در برابر آن به موضع گیری پرداختند. گستردگی چشم گیر موضع گیریها و استواری دکتر آقاچری بشدت بر قدرت نشستگان را به هراس واداشت، چنانکه رئیس "ویرانه قوه قضائیه" وادار ساخت تا بدون تقاضای متهم و وکیل او پرونده را به دیوان کشور ارجاع دهد.

آنچه که در چند روز پیش در ایران با آن مواجه

صدور حکم اعدام برای آقای دکتر هاشم آقاچری بجرم بیان اندیشه، به حق توفانی به پا کرد که هیچگاه حاکمیت سلطه گر تصور آنرا نداشت. حاکمیت چنین می‌پنداشت که با صدور این حکم جامعه در بهت فرو رفته و سر تسلیم فرود خواهد آورد. آنها به یک اعتبار بر آن بودند تا از یک سو با این حکم جناح مقابل را وادار به معامله بر سر دو لایحه رئیس جمهوری بسازند و از سوی دیگر برای مدتی طعم سرب را در دهان کسانی که سر تمکین فرود نمی‌آورند بچکانند، ولی موضع گیری‌های گسترده، بویژه حرکت‌های توانای دانشجویان و بخشی از اعضاء هیئت‌های علمی دانشگاهها شرایطی پدید آورد که عنوان واژه "تنگین" از سوی رئیس مجلس به این رأی داده شود.

توطئه‌ای به نام "نظرسنجی"!

ما هر پدیده علمی، اجتماعی نوینی که نتواند به خدمت اقتدارگرایان درآید و در جهت حمایت و تأیید آنها نباشند بوی جاسوس و خیانت را از آن استشمام می‌کنند و به شدت با آن مقابله می‌نمایند، "نظرسنجی" نیز از این خطر مصون نماند و "مؤسسه پژوهش افکار عمومی" که با چند وزارت خانه از جمله وزارت کشور، وزارت خارجه و نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و چند کمیسیون مجلس را از جمله کمیسیون امنیت ملی در تعامل بود تعطیل گردید و مدیر آن، بهروز گرانپایه که از متخصصان علوم اجتماعی و از روزنامه نگاران با سابقه است دستگیر گردید و سیل اتهامات از سوی قوه قضائیه، بدون آن که جرمی ثابت شده باشد و امکان دفاعی باشد، (مانند تمام موارد مشابه) به سوی این بنگاه و افرادش جاری گردید و علیرغم نامه مجلس که آخرین نظرسنجی که حساسیت جناح انحصار را برانگیخته بنا به درخواست مجلس انجام شده است و موضع گیری صریح وزیران یادشده، کماکان مسأله ادامه دارد. بنا به گفته یکی از نمایندگان تهران، علی اکبر موسوی خویینی، گزارش‌هایی مبنی بر شرایط نامطلوب و پرفشار و تهدیدآمیز از زندان متهمان، به دست آمده است و هنوز برای نمایندگان امکان ملاقات با آنها فراهم نیامده است. وزیر اطلاعات قویاً اتهام جاسوسی و ارتباط با گروه‌های خارجی برانداز را رد کرد و اذعان داشت در جریان نظرسنجی‌ها بوده‌اند. اما تاکنون دست اندرکاران قضایی به دنبال زمینه سازی مطبوعات جناح اعصار که از ۴۵ روز پیش زمینه را برای این اقدام فراهم آوردند (که یادآور برنامه‌های سعید امامی به پشتوانه افشاگری‌های کیهان است)، به موضع گیری‌های صریح مجلس و دولت هیچ وقعی ننهاده‌اند.

مشخص و... در تعاملی درونی و پیچیده به نظر فرد شکل می‌بخشد.

سنجش چنین پدیده‌ای سهل و ممتنع می‌نماید. سهل از آن جهت که ممکن است با خود بگوئیم، نظر هرکس را در هر حوزه‌ای جویا شویم به احتمال قوی پاسخی خواهد داشت، اما از جهتی دیگر ممتنع است چرا که سنجش نظر حقیقی فرد که برخاسته از تعامل‌های پیچیده بردارهای یادشده باشد روش قابل دفاع را می‌طلبد.

اگر نتایج "نظرسنجی" پیش فرض‌های ذهنی مخاطبان این نظرسنجی مغایرت داشت، چنانچه برخوردی عاقلانه و پخته بخواهند نشان دهند، آینه‌ای که نقششان را راست نموده است نباید بشکنند، بلکه درصدد اصلاح خویش برآیند و از این آینه "نظرسنجی" کمال‌سپاس را باید داشته باشند که آن‌ها را فریب نداده است و با صداقت کژی‌هایشان را نمایانده است.

تنها دیکتاتورها هستند که گوششان برای شنیدن انتقاد و نظر مخالف تنگ حوصله است و از شنیدن هر آنچه که دوست ندارند برمی‌آشوبند. بیماری دیکتاتوری چنان آن‌ها را از حقیقت دور می‌سازد که حتی برای استمرار قدرت خود نمی‌توانند به کوچکترین اصلاحی و تجدیدنظری دست یابند، بلکه آینه را می‌شکنند. اما در کشورهایی که نظام‌های مردمسالار نهادینه دارند و قدرت را ملوک مطلق و میراث‌پدیری حاکمان نمی‌شمرند، بنگاه‌های بزرگ "نظرسنجی" با یاری متخصصان و دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری، پیوسته صاحبان قدرت را با حقایق جامعه مواجه می‌سازند و آنان منت‌پذیر این متخصصان می‌باشند. اما از آن جایی که سالهاست که در کشور

سقراط در بیانیه‌ای خاطر نشان می‌سازد که: "امکان ندارد درباره همه چیز یک شناخت علمی، دقیق و مورد یقین داشته باشیم، باوجود این، درباره همه چیز نظری ارائه می‌دهیم".

بررسی "نظر" به شیوه علمی، یکی از زمینه‌های مهم مطالعات روانی، اجتماعی است. به ویژه در جهان امروز، در کشورهای توسعه یافته، در نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی کاربردی رایج دارد. در سراسر جهان، بنگاه‌هایی متشکل از متخصصان کارآزموده علوم اجتماعی به ویژه گرایش جامعه‌شناسی و علوم رفتاری (به ویژه گرایش روان‌شناسی اجتماعی) به این مهم اهتمام می‌ورزند و با "نظرسنجی" به بررسی علمی "افکار عمومی" می‌پردازند و به حوزه‌های مصرفی، نتایج را منعکس می‌نمایند تا راهکارهای اتخاذ شده سیاسی، اجتماعی با توجه به نظر مردم که در نظامی مردمسالار صاحبان اصلی کشور محسوب می‌گردند، تعدیل و یا تصحیح و یا تغییر یابد.

نظری که یک فرد ابراز می‌دارد، می‌تواند روندی به گونه ذیل داشته باشد:

تجربیات گذشته. ساخت اجتماعی. درونی کردن هنجارهای اجتماعی. شرایط روانی-اجتماعی فرد. برون‌ریزی. تظاهرات: (نظرات، اعمال، رفتارها)، نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک دوره تاریخی معین و یا در یک مقطع زمانی و مکان خاص، طبقه اجتماعی ارزش‌های درونی شده و نخستینی نیاکان، زادگاه، موقعیت خانوادگی، جنس، موقعیت اجتماعی، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی، گروه تعلق، گروه مرجع و میزان وابستگی به گروه، میزان اطلاعات، استعدادهای فرد، تصورات فرد از آینده، آمال، آرمان‌ها، موضع گیری‌های پیشین، ایدئولوژی

آیین بزرگداشت پنجاه و سومین سالروز بنیانگذاری جبهه ملی ایران

روز دوشنبه ششم آبانماه، مراسم باشکوهی بمنظور بزرگداشت پنجاه و سومین سالروز بنیانگذاری جبهه ملی ایران از سوی سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران (سپاما) در اهواز با حضور جمع پرشماری از اعضا و هواداران جبهه ملی، نمایندگان احزاب و تشکلهای و چهره‌های شاخص سیاسی و فرهنگی استان خوزستان با سخنرانی دکتر مجید الهامی (مورخ، استاد دانشگاه و از فعالان پرسابقه ملی در خوزستان) و سخنرانی و پیام تلفنی دکتر پرویز ورجاوند و استاد ادیب برومند برگزار گردید.

در این مراسم، پس از پخش ترانه "جوانهای پاک ایران" از خواننده محبوب "ژاکلین"، آقای احمد عبدالحسینیان قائم مقام دبیر مسئول سپاما جلسه را چنین آغاز کردند:

"بنام خدا و با درود به روان تابناک پیشوای بزرگ نهضت ملی ایران، جاوید نام دکتر محمد مصدق.

پیش از هر چیز بر خود لازم میدانم از کلیه میهمانان عزیزی که بر مامت نهاده و با حضور خود در مراسم بزرگداشت پنجاه و سومین سالروز بنیانگذاری جبهه ملی ایران مجلس ما را مزین فرموده‌اند، سپاسگزاری کنم.

در ابتدای سخنانم بمناسبت مراسم، چند جمله‌ای از مطالبی را که همفریاد رامین ناصح مسئول سازمان جبهه ملی در خوزستان در مصاحبه‌هایی که نشریه روابط حزبی اخیراً با ایشان انجام داده است، نقل میکنم:

"تشکیل جبهه ملی در ۲۸ آبانماه، رستاخیز عظیم ملت ایران در طول تاریخ معاصر بود که در طی بیش از نیم قرن فعالیتش حساب خود را به ملت ایران پس داده است. شما ببینید دولت ملی دکتر مصدق که ۲۷ ماه بیشتر حکومت نداشت، چه کار کرد که بزرگترین ابرقدرتهای جهان، آمریکا و انگلیس، با تایید شوروی، دست در دست هم دادند تا آنرا سرنگون کنند! جبهه ملی در رژیم سابق بیش از هزار نفر زندانی و دهها و شاید صدها شهید داشت. هنوز جهانیان فریاد خروشان ملت ایران را در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که از کران تا به کران این سرزمین اهورایی فریاد "یا مرگ یا مصدق" سر میدادند، از یاد نبرده‌اند. به گفته درست استاد ادیب برومند: "جبهه ملی

یعنی ایران!" و به تعبیر دیگر به سروده زیبای استاد بادکوبه‌ای:

وطن یعنی بهارستان، مصدق حضور بی‌ریا چون صبح صادق گواه هر آنچه که گفتم، خون سرخ دکتر حسین فاطمی نخستین شهید نامدار جبهه ملی ایران و داریوش و پروانه فروهر آخرین آنها تا به امروز است.

در این مراسم، ابتدا گوش جان می‌سپاریم به پیام و سخنان جناب آقای دکتر پرویز ورجاوند، وزیر فرهنگ و هنر دولت ملی شادروان مهندس بازرگان، عضو هیئت رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران که از اندیشمندان نامی کشور و از شخصیت‌های مطرح بین‌المللی بشمار می‌روند. و پس از آن، در خدمت استاد فرزانه جناب آقای دکتر مجید الهامی هستیم که ضمن بیان نکاتی چند پیرامون تاریخ و مواضع جبهه ملی ایران پاسخگوی پرسشهای حاضران نیز خواهند بود...

سپس دکتر پرویز ورجاوند که بدلیل محدودیتهای بسیار که برای سپاما وجود دارد، بناچار از طریق تلفن با حاضرین جلسه سخن میگفتند، طی سخنانی چنین بیان داشتند:

"بنام خداوند جان و خرد، با درود فراوان به همه شما بانوان، آقایان و هم‌اندیشانی که در یک چنین روزی در آن سرزمین مردپرور و شیرزن پرور خوزستان گرد هم آمده‌اید تا مراسم بزرگداشت پنجاه و سومین سال بنیانگذاری کهنترین سازمان سیاسی نقش آفرین دوران معاصر ایران، یعنی جبهه ملی، را برپا بدارید. من به سهم خودم به همه شمایی که توفیق دیدارتان را از نزدیک ندارم، این نشست پرشکوه را شادباش میگویم و برای همه شما عزیزان آینده‌ای شاد و سرفراز را آرزو مندیم. به باور من، نشست امروز شما از اهمیتی بسیار بالا و والا برخوردار است. زیرا در شرایطی که میهنمان بحرانی‌ترین روزهای تاریخ خودش را در طی دوران چند دهه اخیر میگذراند، برپایی یاد و خاطره شکل‌گیری جریان تاریخی عمده‌ای چون جبهه ملی که نقش سرنوشت‌ساز در تاریخ این سرزمین بر عهده داشته است، آن هم در سرزمینی چون خوزستان، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بویژه که این برنامه و این مراسم به همت نیروهای جوان و برومندی سازماندهی شده است که همیشه

برای ملت ایران نقطه امید بوده‌اند و این توانایی که اینها از خود نشان داده‌اند و این همتی که بخرج داده‌اند، و اینکه بی‌محابا در برابر همه شرایط ناسامانی که میتواند موجب نارضایتی این عزیزان را فراهم کند، دست به چنین اقدام پرازشی زده‌اند، همه و همه حکایت از این دارد که ما ملتی هستیم زنده، پویا که نسل جوان بعنوان قدرت حرکت و پویایی و آفرینش این ملت، هیچگاه رسالت و نقش خویش را از یاد نمیبرد. در سرزمین خوزستان، برای نجات این سرزمین چه خونهای زیادی که در جریان جنگ با عراق بر زمین ریخته نشد، ولی فرزندان این سرزمین نشان دادند که قهرمانانه می‌ایستند و از وجب به وجب خاک این سرزمین دفاع خواهند کرد تا استقلال سرزمینشان، تا بزرگی و سرفرازی ملتشان در دنیا پایدار بماند. از اینروست که باید گفت این همت والا، این کوشش نیروهای جوان که بانشاطی بسیار و با شور و احساسی فزون از حد در جریان برپایی یک چنین بزرگداشتی تلاش کرده‌اند، ستودنی است. و به ملت ایران این پیام را میدهد که این ملت نخواهد مرد و در آینده نزدیک میتواند آزادی و سرفرازی و سرزندگی همیشگی را به جامعه خودش بازگرداند.

جایگاههایی در ایران زمین هستند که افتخارات ویژه‌ای را برای همه ایرانیان در سراسر این نیاخاک اهورایی از خود به یادگار گذارده‌اند. که سرزمین خوزستان یکی از این سرزمینهای برومندی است که در طول تاریخ ایران نقش آفرین بوده است. من بدلیل نبود زمان، از این گذشته پرشکوه سرزمین خوزستان سریع میگذرم و مسئله را بمناسبت این بزرگداشت به روزگاری میرسانم که این مردم توانستند با آن شور و هیجان در زمانی که چهره سترگی در تاریخ معاصر ایران بنام دکتر مصدق ظهور پیدا کرد و با توانمندی و هوشمندی جبهه ملی را بنیانگذاری کرد و توانست به کمک و به یاری این جریان توانا، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران را خلق کند. همه آن کسانی که تصور میکنند که در جریان کودتای ۲۸ مرداد نهضت ملی ایران با شکست مواجه شد، باید بدانند که با واقعیت برخورد درستی ندارند. نهضت ملی ایران با کوچکترین شکستی مواجه نشد، بلکه برای یک دوران معینی دچار

توقف شد. ولی آنچه که در آن دوران کوتاه در این سرزمین صورت گرفت پدیده شگرفی بود که نه تنها برای ملت ایران ارزشمند بود، که برای جهان شرق از اعتبار والایی برخوردار بود. یعنی حرکت ضد استعماری ملت ایران در مقابل بزرگترین قدرت استعماری آنروز جهان و کار سترگ ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت و به زانو درآوردن استعمار انگلستان، بیرون راندن انگلستان، ترک رابطه کردن با انگلستان، و سرانجام این احساس را در مشرق زمین بوجود آوردن که ملتهای دیگر میتوانند بپایخیزند و میتوانند اعتبار خودشان را بار دیگر بدست بیاورند و بار دیگر میتوانند شانه‌ها را بر سر سلسله سلطه گران خالی کنند.

شما همه حرکت‌هایی را که در شبه قاره هند، در مصر و در سراسر مشرق زمین با آنها برخورد میکنید، همه اینها بدنبال رویداد نهضت ملی ایران و ملی شدن صنعت نفت به رهبری جبهه ملی ایران و به پیشوایی دکتر مصدق صورت گرفت و این بنظر من برای اینکه بتوان شناسنامه درخشانی با زرین‌ترین صفحات برای جبهه ملی ایران و برای تاریخ معاصر ایران به ثبت تاریخ رساند، شاید همین یک حرکت کافی است. ولی نکته مهم عبارت از اینست که نه تنها جبهه ملی در آن زمان توانست قدرت استعماری انگلستان را به زانو در بیاورد، که توانست بار دیگر ملت را بر سرنوشت خویش حاکم گرداند و حاکمیت ملی را جایگزین تصمیم‌گیری یک فرد و یک گروهها و جریانهای خاصی که در هرم قدرت قرار داشتند، نماید. پدیده‌ای که در طول تاریخ همیشه مورد نظر ملت ایران بوده است.

این مسئله بسیار مهم است که در مشرق زمین ما یکبار در دوران مشروطیت توانستیم بنیانگذار حرکت ملی باشیم که حکومت را از آن ملت بگرداند و قدرت را از کسانی که میخواهند بصورت فردی حاکمیت و سلطه خود را بر جامعه مستقر کنند، بگیریم و این تلاش تداوم پیدا میکند و سرانجام در نهضت ملی ایران به شکوفاترین شکل خودش تجلی پیدا میکند و بی دلیل نیست که شما شاهدید که قدرتهای بزرگ جهانی دست بدست هم میدهند، از قدرتی نظیر اتحاد شوروی کمونیست گرفته تا آمریکا و تا انگلستان

برای اینکه این حرکت را به زانو در بیاورند. چرا که اگر آن حرکت توفیق پیدا میکرد که بتواند در همان شکل خودش روی پاماند و تداوم پیدا کند، سراسر مشرق زمین وارد مرحله عجیبی میشد که دیگر این تلاطمهایی را که شما بعدها شاهدش هستید، کمتر می دیدید. یک ایران پر قدرت در مرکز این منطقه با توجه به شرایط استراتژیکش ایرانی خواهد بود که میتواند در مقابل بسیاری از معادلات جهانی، بصورت منطقی و نه بصورت شعارگونه، نقش آفرینی کند. بنابراین، در آن زمان، حرکت ملی شدن صنعت نفت و نقش آفرینی جبهه ملی در دورانه‌های رودر رویی با استعمار بیگانه از یکسو و در هم شکستن قدرت یک حکومت سلطه گر داخلی و بازگرداندن قدرت حکومت بدست مردم، یک حرکت استثنایی در جهان آنروز بشمار می رفت. در پی کودتای ۲۸ مرداد جبهه ملی توفیق پیدا میکند که نهضت مقاومت ملی را بنیانگذاری کند و بعد از چند سال بار دیگر میتواند جبهه ملی دوم را سامان دهد و آن رودر رویی های شدید را با حاکمیت رژیم گذشته بوجود آورد که سرانجام تمام آن تلاشها و کوششها و تداوم آن در مراحل بعدی منجر به این شد که سرانجام رویدادی چون بهمن ۱۳۵۷ بوجود بیاید در متن آن رویداد چیزی جز استقرار حاکمیت ملی در ایران برای ملت ما متصور نبود.

و هم امروز شما شاهدید که بعد ۲۰ از و چند سال همچنان ملت ایران و نیروهای جوان در راه دستیابی به این پدیده مهم یعنی استقرار حاکمیت ملی در ایران و اینکه همه چیز از اراده ملت ناشی بشود و هیچ فرد و هیچ ارگانی نتواند به تنهایی خود را محور بداند مگر اینکه منتخب ملت باشد، این پدیده همچنان در متن جامعه ایران، در قلب تک تک ایرانیان زنده است و تمامی فشارها و شرایط خفقتانی که کوشیده اند بر این ملت حاکم بگردانند، تا به امروز به ثمری نداشته است و همچنان شاهد حضور گسترده مردم در صحنه مبارزاتی هستیم که برای استقرار آزادی، مردم سالاری و استقرار حاکمیت ملی در این سرزمین به کوشش

خود ادامه می دهند.

من برای اینکه بیش از این وقت شما عزیزان را نگیرم و فرصت را برای سروران ارجمندی که در آنجا حضور دارند و سخن خواهند گفت فراهم بیاورم، سخنم را با آرزوی پیروزی هرچه سریعتر برای همه باشندگان این سرزمین پایان می برم و امیدوارم که در آینده نزدیک همه مردم این سرزمین دست در دست هم سرود شادمانی و نشاط و سرزندگی آزادی و سربلندی و سرفرازی ملت ایران را سربهند و به اعتبار موقعیت استراتژیک ایران روزگاری فرا رسد که ما بتوانیم بار دیگر در حوزه فرهنگ گسترده ایرانی در سراسر منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان، اتحادیه گسترده ای را بوجود بیاوریم که چنین اتحادیه ای قادر بر این باشد تا بتواند با توانمندی هر چه بیشتر شکوفایی و سرزندگی را در تمام زمینها به این جامعه گسترده ۳۰۰ میلیونی بازگرداند.

به امید آنروز و با بدرود به همه شما عزیزان و شرکت کنندگان در این نشست. پس از سخنان دکتر ورجاوند، دکتر مجید الهامی به بیان مطالبی پیرامون تاریخ جبهه ملی ایران پرداختند. ایشان طی سخنان خود بیان داشتند:

"در تاریخ شکل گیری جبهه ملی همانطور که در نشستهای قبلی هم گفته شد، از نظر تاریخی شکی نیست که یک نهضت اثر گذار و مفیدی برای تاریخ سیاسی معاصرمان بوده و تا به همین الان هم تاثیر گذار و موثر بوده است. اساساً شکل گیری جبهه ملی در جهت یک امر مهمی انجام شد که آن، اعتراض به نحوه اداره انتخابات و اعتراض به نظام درباری بود که میخواست به سبب ۲۸ سال گذشته خودش که حاکم بوده، نماینده ها را با دست خود به مجلس بفرستد که اگر اسم آنها را نماینده بگذاریم، در جهت مطامع استعماری و استبدادی عمل کنند. تشکیل جبهه ملی اعتراض نشست گونه ای بوده به دربار که حدود ۲۰ نفر با هم رفتند و در دربار تحصن کردند و خواهان اصلاح قانون انتخابات در جهت حاکمیت مردم

بودند، نه در جهت حاکمیت استبداد سلطنتی در ایران. بدینصورت جبهه ملی شکل میگیرد و اعتراض هم به منصفه ظهور میرسد و با تمام طرفدایی که دربار و شریک استعماریش بوجود می آورد، نیروهای بالقوه ای در مجلس راه پیدا میکنند. و رهبریت یک شخص فرهیخته (دکتر مصدق) این جبهه را نمیکند که متلاشی شود، آنرا سازماندهی میکند و در مجلس در جهت منافع ملی آنرا به حرکت در می آورد که از آن جمله است ملی شدن صنعت نفت.

جبهه ملی در نهضت ملی شدن نفت عملکرد بسیار درخشانی داشت که از آن جمله است رشد اجتماعی مردم و مقابله با تفکرات انحرافی و استعماری.

جبهه ملی در مقابل حرکت حزب کمونیست توده ایران اثر بزرگی در جامعه ایران گذاشت که آن اینکه مردم ملی و آزادیخواه را در مقابله با مطامع استعمار جهانی شکل داد و سازماندهی و هدایت کرد.

البته جبهه ملی با تمام اثرات خوبی که داشت، نقاط ضعفی هم داشت که این نقاط ضعف میتواند اگر شناخته شود، برای آینده جبهه و برای آینده خود ما مهم باشد و این جبهه را فراگیرتر و مردمی تر کند. یکی اینکه جبهه ملی کمتر توانسته با اقشار پایین جامعه ارتباط برقرار کند. در حد نخبه گرایی بسیار عالی عمل میکند، در دانشگاهها، در مجامع تحصیلکرده شناخته شده است و هوادار دارد، ولی در مراحل پایین اجتماع کمی ضعف دارد و همینطور تا حدودی در ارتباط با جوانان.

شما نگاه کنید، جبهه ملی در طول چندین سال گذشته شاید در اهواز نماینده ای به آنصورت نداشته، ولی الان به اهتمام جوانان میتواند این نمایندگی را بدست بیاورد و این جوانان باید این را هدایت بجایی کنند که بتواند پایگاه برای آن بوجود بیاورد و این برای جبهه ملی باید میمون و فرخنده باشد که جوانانی به آن گرایش پیدا میکنند. اگر جبهه ملی بتواند ارتباطش را با جوانان بیشتر برقرار کند، حتماً پایگاه اجتماعی مهمی برای خود

میتواند بدست بیاورد....

امروز جبهه ملی ایران باید بتواند ارتباط گسترده ای با قشرهای پایین اجتماع برقرار کند. جامعه ایران یک جامعه توده ای پوپولیستی است، یعنی جامعه نخبه نیست. امروز مطالبات مردم اثر گذار بر نخبگان است. در سال این حرکت سریع مردم است که نخبگان را بطرف خودش میکشد، نه بالعکس. پس امروز جبهه ملی اگر بتواند با قشر پایین جامعه ارتباط برقرار کند، میتواند آینده خودش را سر و سامان بدهد و در تحولات سیاسی آینده ایران موثر باشد. اصولاً انتقاد من نه به جبهه ملی بلکه به روشنفکری ایران است. جریان روشنفکری ایران از روز اول که ارتباط برقرار کرد با مردم را نداشته، خودش را در یک قاب شیشه ای بزرگی در بالا نگهداشته و بدون اینکه جامعه خود را بشناسد، تر داده. به علت عدم ارتباط بین روشنفکران و نخبگان ایران با عامه مردم، همیشه قدرتهای استبدادی توانسته اند فاصله بیندازند بین این دو گروه و به مطامع خود دست پیدا کنند....

در بخش دیگری از مراسم، استاد عبدالعلی ادیب برومند رئیس شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران پیام خود را از طریق تلفن خطاب به حضاران اعلام داشتند:

"گردانندگان محترم سازمان پیشگامان آزادی. از اینکه شما جوانان غیور و وطنخواه به حکم عواطف ملی و احساسات آزادیخواهانه، پنجاه و سه سالگی بنیادگذاری جبهه ملی ایران را به پیشوایی دکتر محمد مصدق جشن گرفته اید، از سوی همه اعضای شورای مرکزی و شورای رهبری جبهه ملی از شما تشکر و به شما درود میفرستم و امیدوارم به یاری خدا و شما جوانان غیرتمند و ایران دوست، ما همه در مسیر هدفهای جبهه ملی که استقرار حکومت قانون است و تأمین آزادی ملت، توفیق حاصل کنیم. خداوند شما را نگهبان و نگهدار باد."

در ادامه جلسه دکتر الهامی به پرسشهای حضاران پاسخ گفتند. و در پایان مراسم، حضاران از کتابخانه بزرگ سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران دیدار بعمل آوردند.

**همه آزاداندیشان ایران در چهارمین سالگرد شهادت
مختاری و پوینده، دو اندیشمند گرانقدر، به سوگ خواهند
نشست**

آیین های بزرگداشت سالگرد شهادت دکتر سیدحسین فاطمی

حضور نمایندگان سازمانهای جبهه ملی ایران بر مزار شهید زنده یاد دکتر فاطمی روز جمعه ۱۷ ابانماه شماری از نمایندگان سازمانهای جبهه ملی ایران به مناسبت چهل و هشتمین سال تیرباران کردن زنده یاد دکتر فاطمی وزیر خارجه دولت ملی دکتر مصدق و از بنیانگذاران نقش آفرین جبهه ملی ایران، برای ادای احترام و نثار شاخه های گل بر سر مزار آن شهید بزرگ گرد آمدند.

در این مراسم دو تن از نیروهای جوان به کوتاهی درباره آن بزرگمرد تاریخ معاصر ایران سخن گفتند.

آقای مهندس رحمانی دو قطعه از نوشته های آن شادروان و گفته های دکتر مصدق درباره دکتر فاطمی را خواندند و یادآور شدند که نسل جوان ایران هیچگاه خاطره شهامتها و پایداریهای آن شهید بزرگ را از یاد نخواهند برد.

آیین سالگرد در دانشکده حقوق دانشگاه تهران

به همین مناسبت در بعد از ظهر یکشنبه ۱۹ ابانماه مراسمی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار گردید. در این مراسم آقای حسین شاه حسینی،

نایب رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران، به تفصیل درباره شخصیت شادروان دکتر فاطمی سخن گفتند. در شماره بعد خلاصه آن مطالب به آگاهی خواهد رسید.

آیین بزرگداشت در سازمان استادان و پژوهشگران جبهه ملی روز یکشنبه نوزدهم ابانماه در نشست پانزده روز یکبار سازمان استادان و پژوهشگران جبهه ملی با دعوت از آقای دکتر جلالی نائینی، ایشان به مدت یکساعت از خاطرات خود درباره مبارزات دکتر فاطمی در جبهه ملی ایران و تلاشهایش در دولت دکتر مصدق برای حاضران سخن گفتند.

آیین بزرگداشت در دانشگاه مازندران

به مناسبت سالگرد شهادت دکتر فاطمی و بزرگداشت از مقام آن چهره جاویدان تاریخ معاصر ایران و جبهه ملی ایران، دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه مازندران در بابل از دکتر پرویز ورجاوند عضو هیئت رهنبری و سخن گوی جبهه ملی ایران دعوت کردند تا در مراسمی که در بعد از ظهر دوشنبه در آمفی تئاتر آن دانشکده برگزار گردید شرکت و سخنرانی کند. بعد از سخنان دکتر ورجاوند جلسه پرسش و پاسخ برگزار گشت. فشرده این مراسم را در شماره بعد به آگاهی می رسانیم.

آیین بزرگداشت در اهواز

روز دوشنبه ۲۰ ابان، مراسم بزرگداشت با شکوهی در اهواز توسط سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران برگزار شد که در آن مهندس کورش زعیم، عضو شورای مرکزی و هیئت اجرایی جبهه ملی ایران سخنرانی کردند. چکیده سخنرانی در شماره آینده درج خواهد شد.

حیف و میل

یک جا همه حیف و میل و جور و یغماست
پس و اسفا که کار مارو به فناست

ادیب برومند

یک جا همه فقر و اعتیاد و فحشاست
از چاره درد در میان حرفی نیست

بدون شرح

که به تصویب مجلس و شوراهای شهر و دیگر ارگانهای فاقد قدرت رسیده است.

شکنجه قانونی

طبق قانون اساسی، شکنجه افراد مطلقاً ممنوع است. نمایندگان مجلس با توجه به گزارشهای دریافتی و مشاهدات خود در زندانها، طرحی را در ممنوعیت انواع اقدامات و عملیاتی که نوعاً شکنجه نامیده می شود، با ذکر موارد آن، تصویب کرده اند که با مخالفت شورای نگهبان روبرو و به مجلس برگشت داده شد. محسن آرمین از طراحان اصلی طرح، انجام اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان را قانونی کردن شکنجه در کشور نامید و اظهار داشت: اگر این اعمال به تشخیص و حکم قاضی بتواند انجام گیرد، (تصویب این امر) لکه ننگینی بر دامن مجلس ششم خواهد بود. اینکه شورای نگهبان گفته است یک قاضی ممکنست ضرورت بداند، به متهم بی جوابی داده شود و یانیمه شب او را بیدار کنند و تا بامداد از او بازجویی نمایند و این نمی توان مصداق شکنجه باشد، باید گفت آقا، شکنجه دیگر توجیه و تعبیر ندارد.

آنهایی که اعتراضهای گسترده اتحادیه اروپا درباره نقض حقوق بشر در ایران را دخالت در امور داخلی اران و عدم شناخت درست آنها از اسلام می دانند، باید توجه داشته باشند که جهان چشم و گوشش را بر آنچه که در ایران نوشته و گفته می شود نمی بندد. در کدام کشور عقب مانده جهان می توان شاهد بود که ارگانی بخود اجازه دهد تا در برابر مصوبات نمایندگان ملت درباره حذف شکنجه موضع بگیرد و به عبارتی آنرا "وتو" کند و برای

حجت الاسلام دری نجف آبادی، وزیر سابق اطلاعات و امام جمعه موقت شهرری: ۲۰ نفر در کشور جنگ قدرت دارند و نسبت به رفع مشکلات جمعیت ۷۰ میلیونی کشور بی تفاوت هستند. ریشه دموکراسی به سکولاریسم و لیبرالیسم و جدایی دین از سیاست ختم می شود، که با کشور و نظام اسلامی ایران سازگاری ندارد.

خانه سازی غیر قانونی در پادگانها و جنگلهای حفاظت شده

اخبار مندرج در روزنامه ها و مشاهدات عینی، حکایت از ساختمان سازی و خانه سازی های عظیمی در بعضی پادگانها و جنگلها و مراعات حفاظت شده شمال تهران دارد. ظاهراً نیروهای نظامی و انتظامی قصد دارند برای پرسنل خود، در مناطق تحت اختیار خود که با تابلوهای "منطقه نظامی" عکسبرداری ممنوع مشخص شده است خانه سازی کنند و تلاشهای شهرداری، شورای شهر و وزارت کشور برای جلوگیری از این اقدام به جایی نرسیده است.

جالب اینجاست که هر دو گروه دائماً از قانونمندی و قانون داری می زنند، ولی همچنان به کارهای غیر قانونی ادامه می دهند، تا اینکه استاندار تهران گفته است که به این ساختمانها آب و برق داده نخواهد شد. ولی حتماً خود استاندار هم باین نکته آگاه است، نهادی که بتواند جلوی چشم مردم و مسئولین بصورت غیر مجاز ساختمان سازی کند، حتماً قدرت این را هم دارد که آب و برق آنرا هم به همین شیوه تأمین کند.

آنچه که برای صاحبان قدرت در این کشور مطرح نیست، حرمت به قانون و تمکین از ضوابط و اصولی است

انجام شکنجه در دنیای امروز توجیه برتر باشد؟! خروج بر حاکمیت؟!

برخی از اصلاح طلبان، همزمان با پی گیری لوایح دوگانه اختیارات رئیس جمهور و انتخابات، تهدید به خروج از حاکمیت کرده اند. حبیب الله عسگر اولادی مسلمان، دبیر هیئت مؤتلفه اسلامی، گفت خروج از حاکمیت خروج بر حاکمیت است. حسین شریعتمداری مصرع دوم شعر را سرود که این افراد نه تنها باید از حاکمیت اخراج شوند بلکه باید به علت بی لیاقتی و بی کفایتی محاکمه نیز بشوند.

طنزنویس روزنامه ای نوشت: وقتی کسی وارد جایی نشده یا او را راه نداده اند چگونه می تواند از آن خارج شود؟!

ظریفی گفت آدم عاقل به جایی که اجازه خروج از آنجا را نداشته باشد، با اراده و اختیار خودش وارد نمی شود! و همه اینها پیامی داشت برای انتخابات پیش رو در ماهها و سالهای آینده، شوراهای شهر، مجلس و ریاست جمهوری.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com